



عنتق ینهان
همینته مخفی
نمیمونه

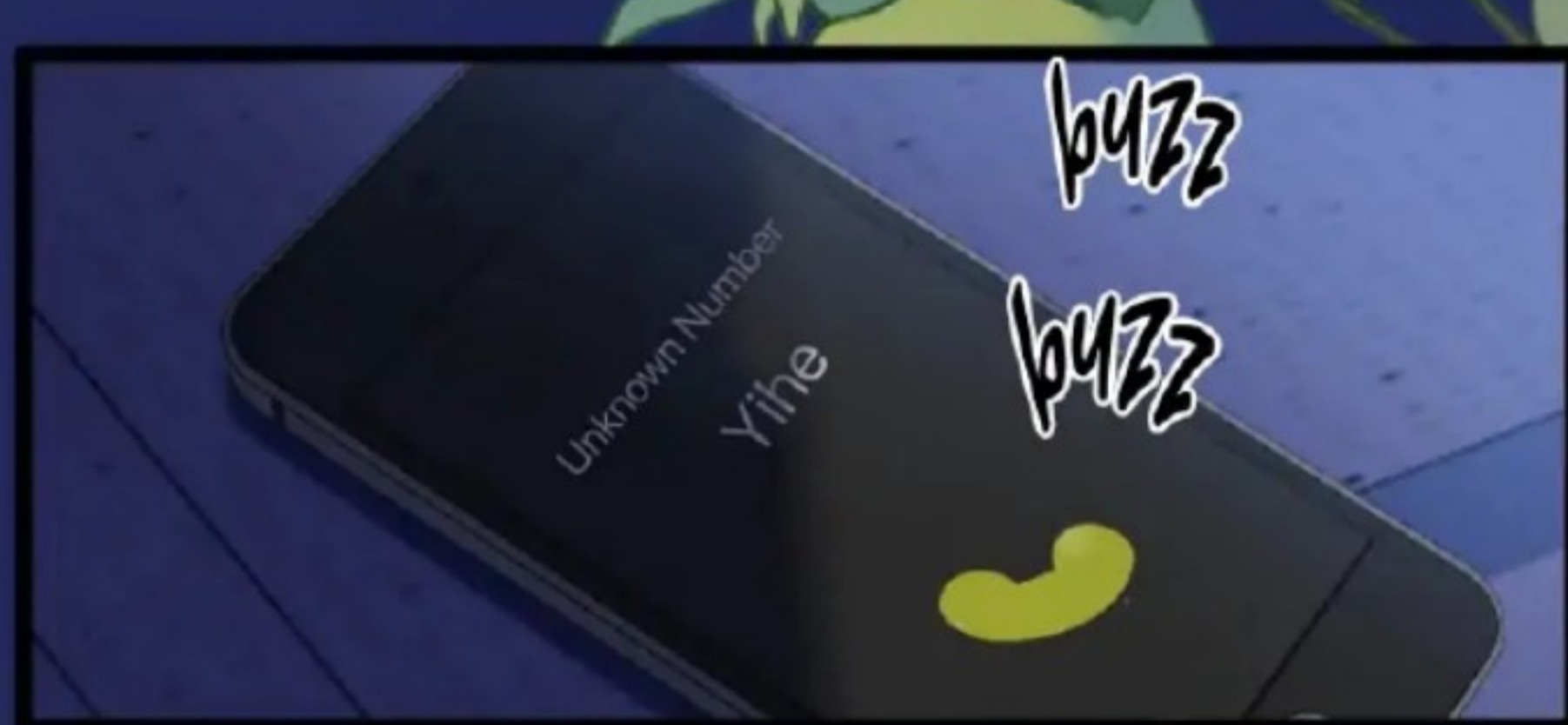
مترجم
Mehrgan

ادیتور
Nascosto & MDDBR

آپلودر
yasaman

偷偷藏不住

Hidden Love



دوان -

آفتاب از کدوم
طرف در اومده
ما صدای تورو
شنیدیم

حتما باید از خط
یکی دیگه زنگ
بزنم تا جواب
بدی؟

جیانگ بینگ؟

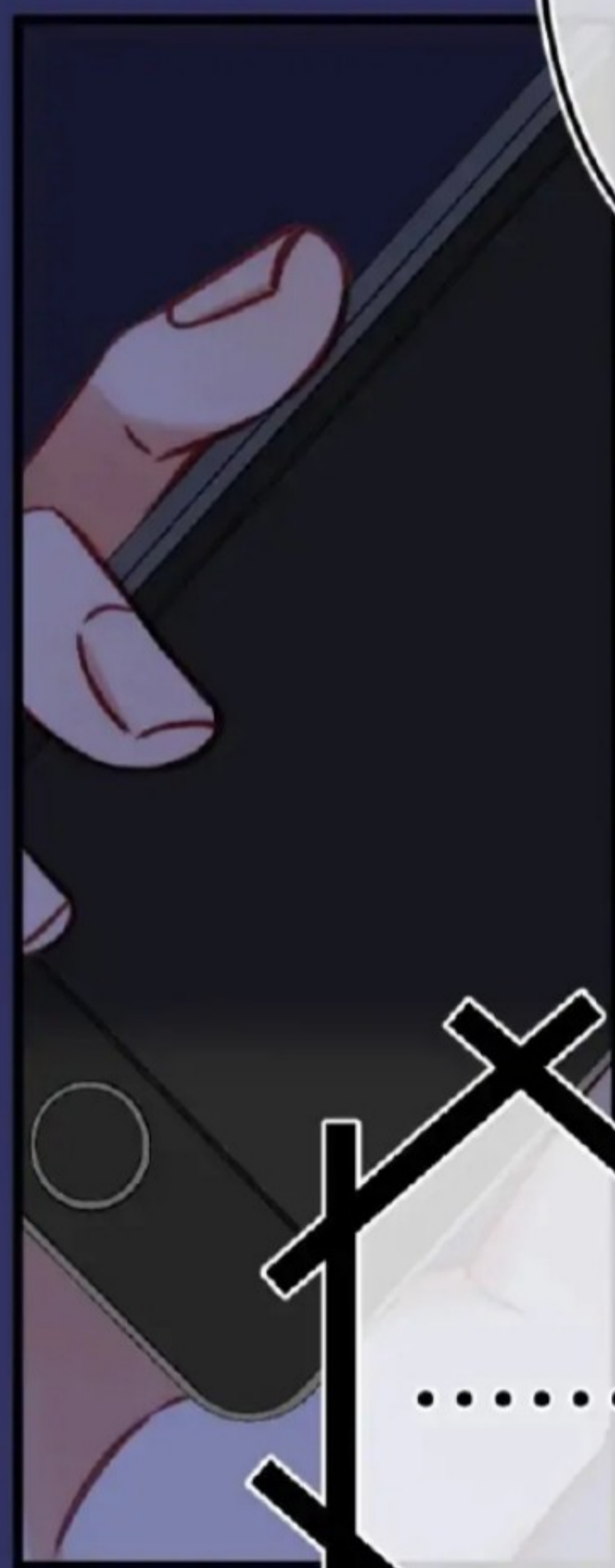
یوان لانگ بهم
گفته دنبال یه زن
دیگه ای!

چطور جرئت کردی
جوری رفتار کنی که
انگار چیزی نبوده، در
حالی که من دارم
زجه میزنم -

یوان لانگم
گفت ما قراره با
هم ازدواج کنیم.

تو پشت این
جریانی؟

ممکنه...
دوست داری باهم
ازدواج کنیم؟



نمیتونیم؟

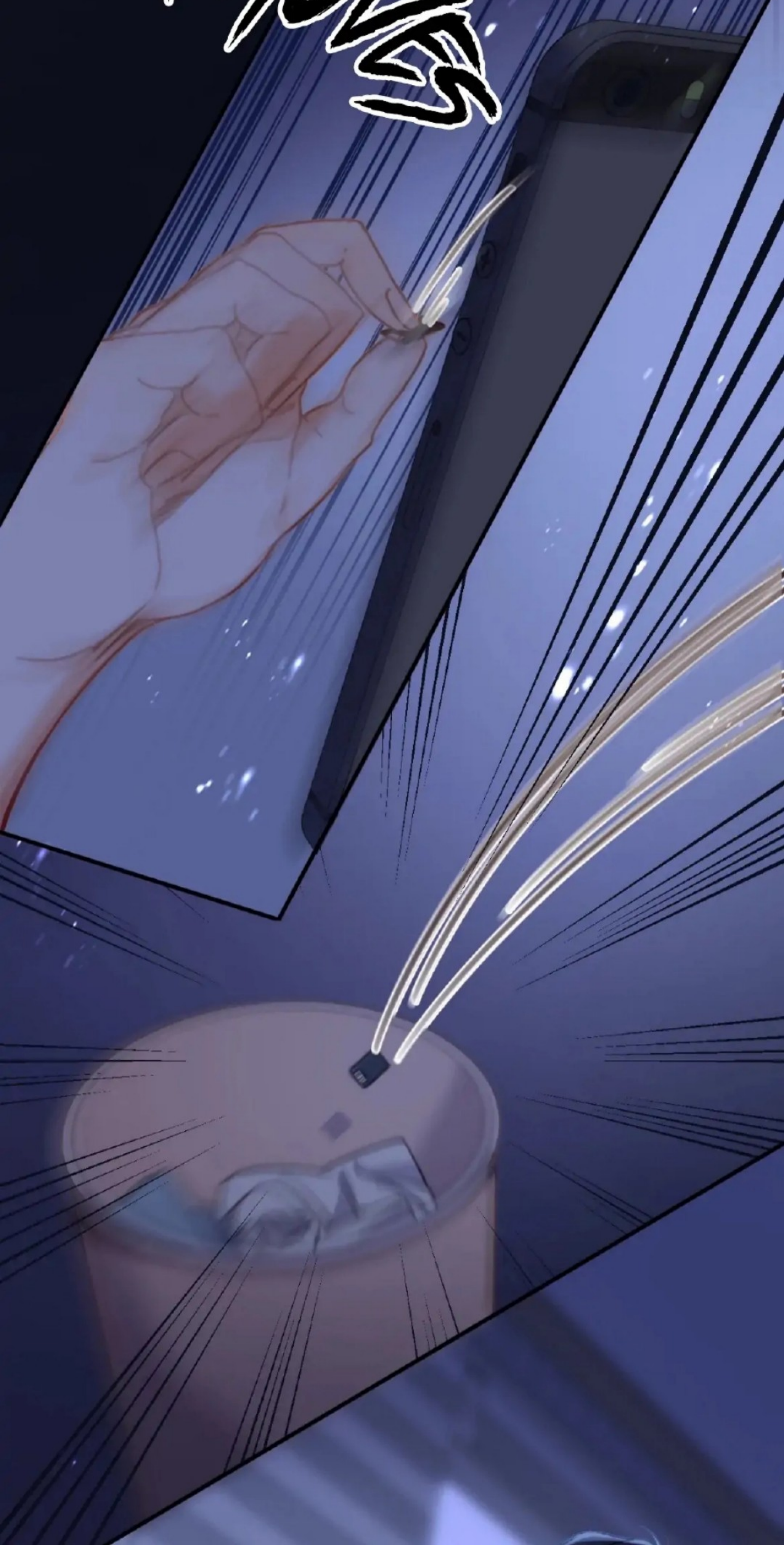
AS

beep

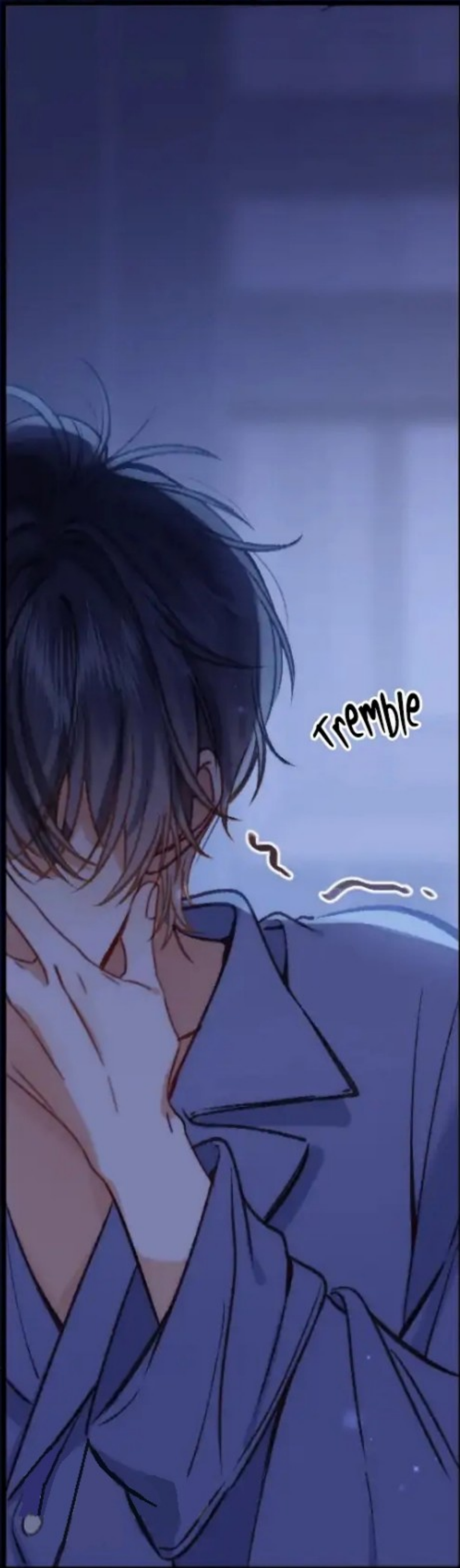
پایان تماس



REMOUS







tremble

tat

tat

tat

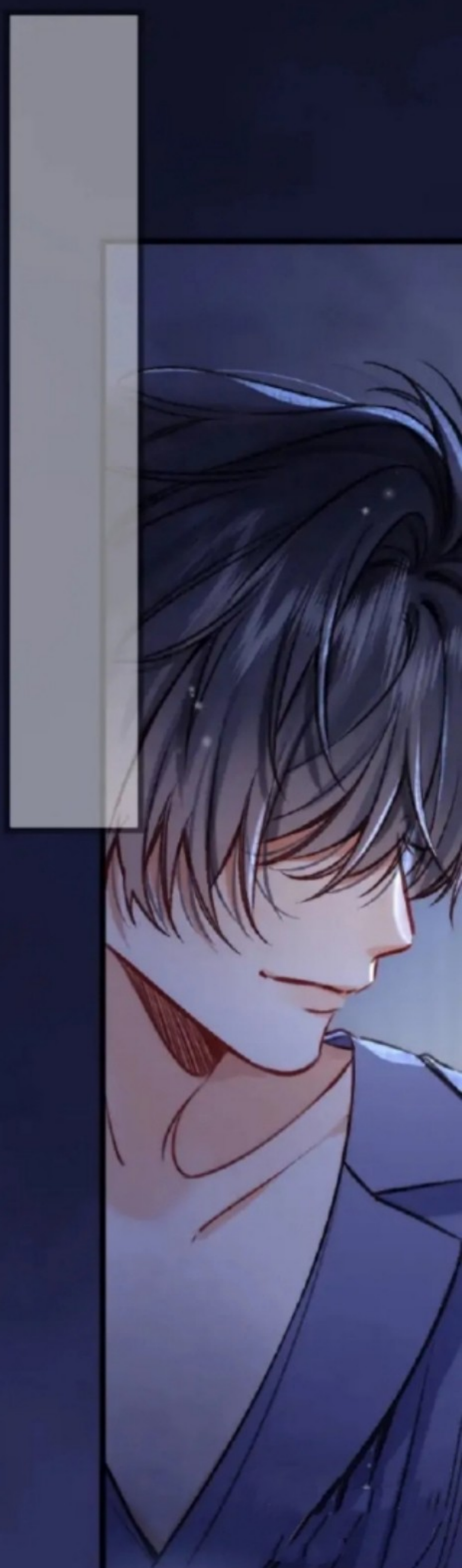






آدم که
فکر میکنه

هنوزم کسانی هستن
که باور دارن اعضای
خانواده باید تاوان
گناه هم رو بدن.





هاها...



یه ماهی میشه
همو ندیدین
نه؟





اوهوم، از اون
روز سرش شلوغ
کارش بوده.

خبر داد امروز
میاد دنبالم بریم
شام بخوریم...



میرم دیگه!

برکون
ژی ژی جون!





داداش جياشو!



همکارم یهو قرار
شام چیده.



پس قرار شام
کنسله؟

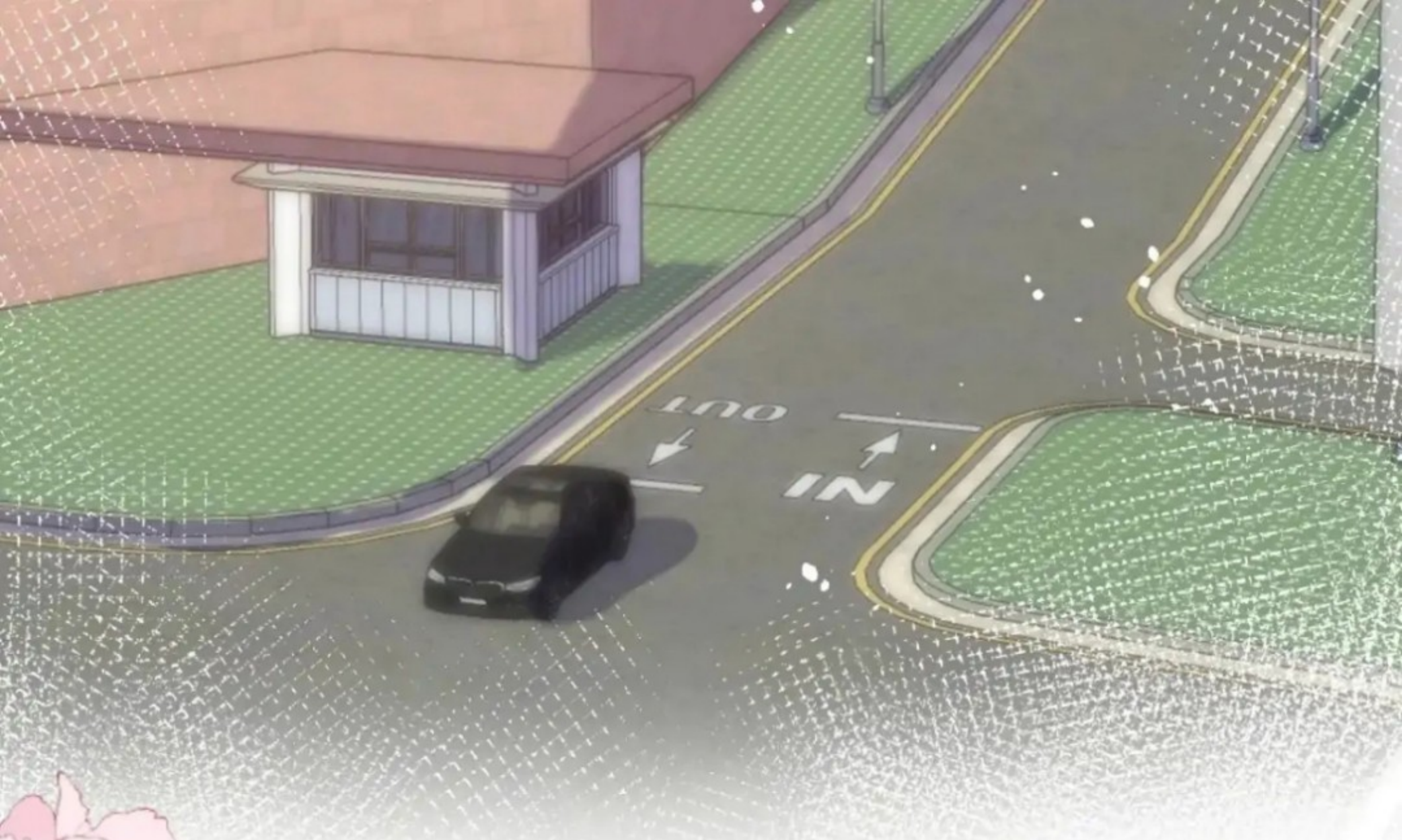
اگه مشکلی
نداشته باشی
باهم میریم.

اگه دوست
نداری یه جا
جدا میشینیم
غذا بخوریم.

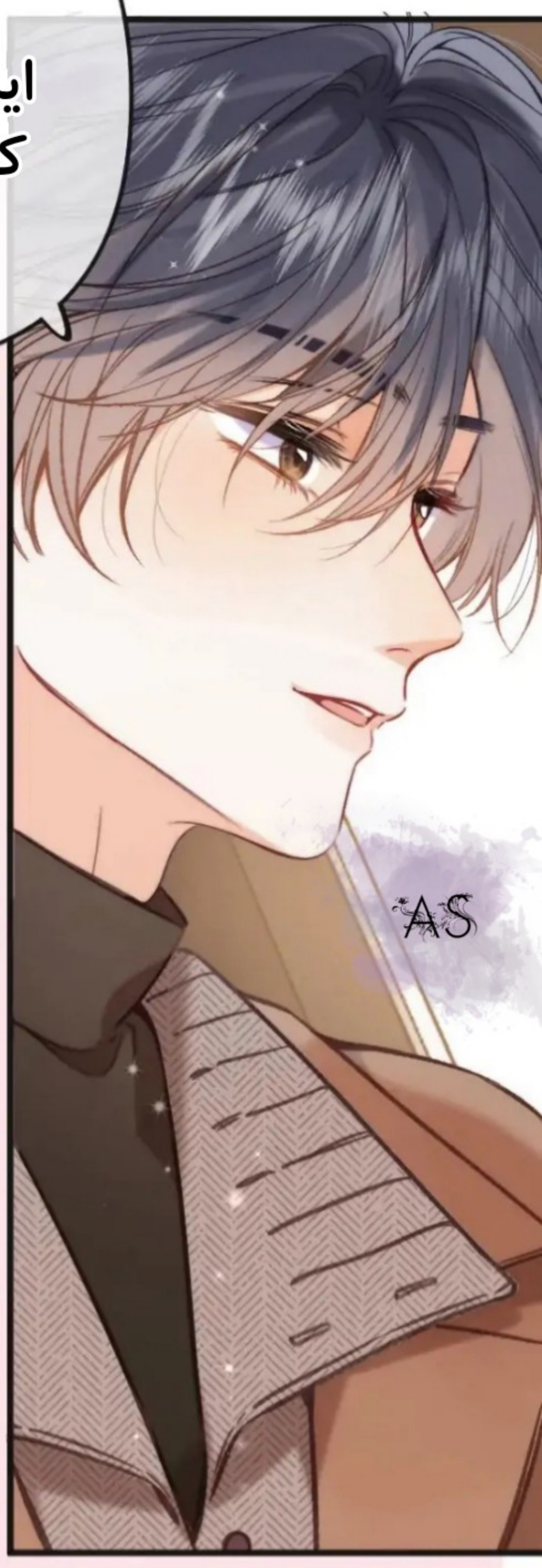
مشکلی نیست.
هر دوش
فرقی نداره.

بریم.

عالی، کمر بندت
رو هم ببند.



این اواخر زیاد کلاس داشتی؟



اوهوم.

برنامم از دوشنبه تا جمعه قفله.

پس،

هنوزم میری دنبال
اون روباه نر؟

چ-چرا اینو
پر سیدی؟

همینجوری.

مال مدرستونه؟



نه نیست.



پس کیه که تو
میشناسیش؟



من-

بیرون از مدرسه
میشناسیش دیگه.

اینطوریاست؟



چطور باهم

آشنا شدین؟

این همه سوالو از
کجاش در میاره؟

وقتی با دوستانم
بیرون بودم،
دیدمش.

کجا دیدیش؟

فکر کنم...

اونجا...

توبار
دیدمش!

اره!! همون بار
کنار مدرسه...



واقعا؟

چطور دفعه پیش گفتم
وقتی مست بودی توی
کارائوکه دیدی؟

اینو از خودش
درآورده بود.



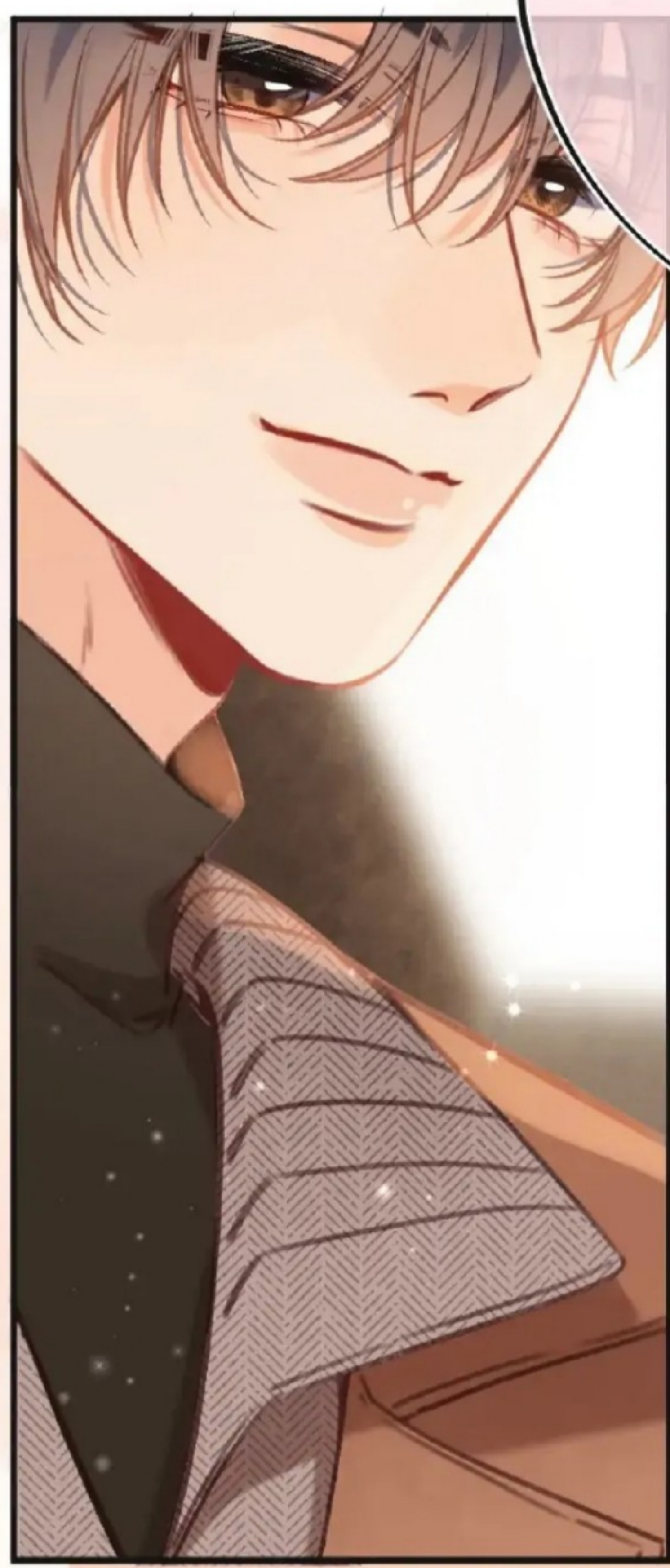
ها؟

من اینو گفتم؟

شاید زیادی خورده
بودم همچی قاطی
پاتی شده بود!

بانه

کارائوکه بود،
استباه گفتم.



هيا



چنه
میخندی؟

هیچی.

دارم به این
فکر میکنم.



داداش جونت
خیلی باهوشه.

ها؟

ارام دارد...

وقتی راجع به دوان مینونتت،
نمیتونست اسمت رو بیاره. اون
یه چیزی بیئنتر از اینه.

اون...

منبع آرامتت اونه.

اون میاد مگه نه؟



هی کوچولو،



اینجا
کلاس هفتمه؟

اون...

نگهبان مهربان عزت نفسنت...



الان میتونی
استفاده ازش رو
بهش یاد بدی؟

انقدر خجالتیه که
خودش نمیتونه
ازت بخواد.

من مخمای رو
برات گرفتم.

دیگه گریه
نکن باشه؟



اون...

یه مرد فداکاریه که.

با اینکه حالتش خوب نبود با
نگرانی دنبالتن میگفتنت.

اونموقع من
نمی‌دونستم چطور
رانندگی کنم

یک شب تمام شب
را هم کشیک بودم
تا اضافه کار کنم و
حالم خوب نبود.



اون...

مردیه که خودت رو بیخیال نتون میدی.

اما کل اون وقت رو نگران چنته به انتظار بود.

چطوره
داداش بزرگه
تورو برسونه
مدرسه؟

با همکلاسیام
برمیگردم.

البته.

بیا بریم،
کوچولو. این
مرد بزرگ تو
رو تا مدرسه
می‌رسونه.


اون... مردی که بدون هیچ فکری هجوم آورد
تا وقتی مست بودم ازم مراقبت کنه.

تو نوشیدی؟





آره فقط
یه کم.



اسم بار رو
بفرست میام.

اون...
جنتلمن ترین و مهربون ترین
روباه نر دنیاست.





وقتی مسورت



چرا دوان انقدر سوال میپرسه؟

الف) اوخ روباه داره تلمه می داره.
ب) نسبت به هوییت اوخ روباه نه کنجگاوه.
ج) درحال بازجویری از نودم زودرسه.



سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

آئویی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)